



١٠ ريال

نشانی: میدان امام حسین (ع) (فوزیه) بازار شهرام، طبقه چهارم تلفن ۷۶۰۶۶۳

سلسله دروس اعتقادی

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا

وزارت بهداشت

سازمان مدیریت و برنامه ریزی

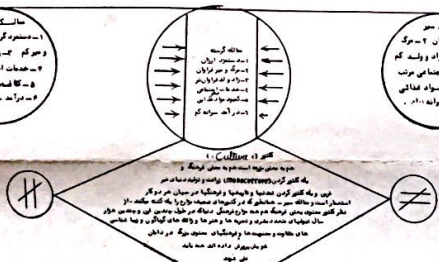
سازمان امور پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی

سازمان غذا و دارو

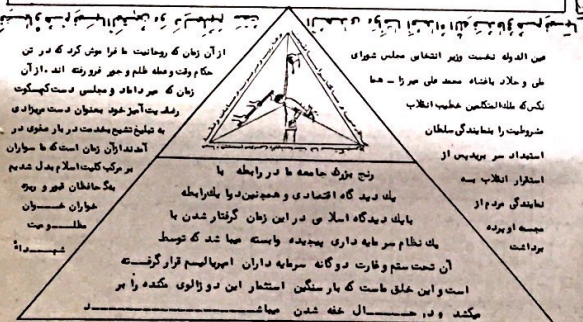
سازمان آموزش و ترویج

سازمان بهداشت عمومی

سازمان بهداشت محیط



يَنْجِسُوا مِنَ الْعَوْتِ مَنْ خَافَهُ..... وَإِنَّمَا مَعِيَ الشَّيْءُ لِأَنِّي

[illegible][illegible]

و طُفِئَتْ أَرْثَابُهُنَّ أَنْ أَسْأَلَ بِهِ

[illegible]

تبره
۱- دو نوع ، یکطرف دولالت بر امیرالایسم یکطرف دلالت بر سوسال امیرالایسم ۲- ||- فرهنگ- معنویت ||||- فرهنگ- معنویت
۳- منابع- مادیات ||- منابع- مادیات ۴- جهت تکامل
۵- تحلیل خطبه شبیه ۳۸- مراجعه شود به "دشمنان مردم کیانند و دوستان مردم کدام" که در زیر چاپ است بزودی منتشر میشود.
۶- تحلیل خطبه ۳- بعداً در درس دوم خواهد آمد.

گفتی هنوز موقع کین وقاص نیست

گفتیم کہ انتقام ز اشراف دون بگیر

آنان که از برای تورا خلاص نیست

انبل به جنگ مرتجعین اوفتادهای

آرمان مستخدمین

۱۰ روز یکبار منتشر میشود

٢

[illegible][illegible]

مستضعفین تنها پستوانه حرکت انبیاء و تنهار پیاکنندگان جامعه مبتنی بر قسط

بررسی دینامیسم مکتب اسلام در رابطه با دینامیسم کلی مکتبی

قسمت سوم:

نمی شود، این است دین پادار.

تنهاراگان زیربنای اجتماع عبارتست از: تفیس، یعنی کشتاهی (کشتگاه، تفیس، کشت جملهای تفاسی کثاوری = انبیا) که انبیا به پیام خویش توانستند اعدالی در حرکت جملهای آن برقرار سازند، تا بهالهای اسباب را در آن غرس نمایند.

آیات زیر نفس را بعنوان زیر بنای اصلی نگویین انسان و در نتیجه اجتماع معرفی میکند: یونس ۱۰۸ - اسرا ۱۵ - نحل ۴۰ - عنکبوت ۶ لقمان ۱۲ - طه ۱۳۸ - فصلت ۴۱ - فصلت ۴۲ - جاثیه ۱۵ فتح ۱۰ - محمد ۴۸ ...

بنا بر این از دیدگاه اسلام آنچه اصالت دارد در درجه اول، نفس است. که محکمترین ارگان زیر بنای است که فلسفه هستی در رابطه با پیدایش انسان بر آن میان گذاری شده است. و انسان و اجتماع تاریخ همه در رابطه با آن شکل می یابند. نتیجه اینکه با توجه به زیر بنا بودن نفس، اجتماع صورت سابه (اعتبار) پیدا میکند.

پس باید گفت هدف حرکت انبیا عبارتست از تربیت نفوس انسانها جهت بوجود آوردن افرادی که بتوانند حرکتی را (که مبتنی بر اراده و خوداگاهی و آفرینندگی است) در جهت ایجاد جامعه ای که صورت هفتا و یا شکل فطری خویش داشته باشد، شکل دهند. در این راه تمام عواطفی که در رابطه با این موضوع مطرح میشوند جنبه زمینه و مقدمه دارند و تنها موضوعی که دارای اصالت واقعی میباشد "نفس" است. و زمانی اجتماع دارای اصالت میباشد که آن را بدین در نظر گرفتار آگاهی و کنونی اش. بالانستقلال مورد بررسی قرار دهیم.

بنا بر این میتوان اجتماع را به رودخانه ای تشبیه کرد که اگر توجع ما فقط به ارگانهای کنونی آن معطوف باشد، باید برای خود رودخانه هیچگونه شخصیت بالانستقلی قائل نباشیم، زیرا ارگانهای کنونی، رودخانه مبتنی بر فطرت است که باعث پیدایش شدن رودخانه شده اند. و اگر فطرت آب نبودند رودخانه اصلا دارای شخصیت نبود. در این حال اجتماع حاصل از فطرات آب، یعنی رودخانه، جنبه سابه (اعتبار) دارد و اصالت از آن فطرات آب تشکیل دهنده رودخانه میباشد. اما اگر ما توجع خود را (در رابطه با آب رودخانه) از ارگانهای زیر بنای کنونی رودخانه گرفته و به واقعیت آن، معطوف داریم، خواهیم دید که رودخانه دارای یک حرکت جبری است. شخصیتی و یا شخصیت فطرات آب دارد. و فطرات آب

برای گذر از یک دانه تسبیح به دانه دیگر یک مرحله تکاملی طی میشود، بطوریکه دانه بعدی از نظر اندازه متکاملتر از دانه قبلی میباشد. و برای گذر از یک پدیده (مثلا آب) به یک پدیده دیگر (مثلا جانور تک سلولی) نیز یک مرحله تکاملی طی میشود. بشکلی که جانور تک سلولی از نظر پیچیدگی حرکتی و مختلفی که تشکیل دهنده او هستند در مرحله کالتری از آب قرار دارد. و همینطور تک سلولی به چند سلولی ... تا میرسد به انسان که متکاملترین پدیده عالم است. و از نظر پیچیدگی و تعدد حرکتی و بافرگانهای مختلف، که تشکیل دهنده دینامیسم وجودی او هستند در بالاترین مرحله قرار دارد. حتی درین خود انسان نیز تکامل متوقف نمیشود و تا انسانها روز در حال تکامل بیشتری میباشند. و هر انسانی نسبت به انسان دیگر در مرحله متفاوتی از نظر فرکاس های حرکتی تشکیل دهنده وجودش، قرار دارد. و بدین خاطر است که هیچ دو انسان شبیه بهم نمیتوان یافت، هم از نظر دینامیسم بدنی و هم از نظر دینامیسم فکری.

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

در حرکت خویش برای گذر از فراز و نشیب های مسیر رودخانه با بد مطیع این جریان حسی رودخانه مانند، پس اگر با نگرشی "واقع بینانه" به "اجتماع" یا "رودخانه" نگاه کنیم، "نفس" و "فطرات آب"، اصالت دارند نه "اجتماع" و "رودخانه". اما اگر با عینک "واقع بینی" بقضا با نظر افکنیم، در این صورت اجتماع و رودخانه دارای اصالت میباشد، نه نفس و فطرات آب.

با توجه به این مساله، برای بدست آوردن اعتدال اجتماعی (با رسیدن به جامعه نوعی) باید مبد حرکتی عبارت باشد از مقابله کردن با تضادهای اجتماعی از طریق رشد ناهماهنگ خصوصیهای فردی - اجتماعی.

۴ غایت حرکت - غایت حرکت عبارتست از "الله" که نمونه کامل حرکتی برای جهت بخشیدن

مقولات فلسفی - مذهبی

مقوله دوم: وحی

قسمت سوم

از جمادی مُردم و نامی شدم
و ز نام مُردم ز حیوان سر زدم
مُردم از حیوانی و آدم شدم
پس چه ترم کز مُردنم کم شوم؟

جملهای دیگر به میرم از بشر
تا برآم از ملائک بال و پر
از ملک هم بایدم جستن زجو
کل شیتی هالک الا وجهه
بار دیگر از ملک بران شوم

آنجند اندر وهم ناید آن شوم
از ناماندهای تسبیح یک تن عبور کرده است،
بجز بزرگترین دانه (یعنی شیخ) که دو نخ از آن عبور کرده است. کلبه پدیده های هستی دارای یک حرکت جبری که مبتنی بر غریزه است میباشد، که بر طبق آن سیر تکاملی خویش را ادامه میدهد، بجز انسان که علاوه بر حرکت جبری،
(هر نفس نو میشود دنیا و ما)
بی خیر از نو شدن اندر بقاء)

در آری یک حرکت اختیاری نیز که زائیده اراده او و شخص کننده خلیفه الهی او در زمین است، می باشد. در اندهای ترین قسمت تسبیح، بالای دانه شیخ معمولا یک که نخ کوچک هست که در قیاس با حرکت پدیده های هستی می توانیم پایان ناپذیر بودن حرکت پدیده ها را کمب از متکاملترین پدیده، هنوز هم تا "الله" ادامه دارد، از آن نتیجه بگیریم.

بار دیگر از ملک بران شوم
آنجند اندر وهم ناید آن شوم

پس عدم کردم چون راغبون
گویم انا الیه راجعون
نتیجه کلی از این مقال این است که: تن تسبیح نشان دهنده حرکت بعنوان زیر بنای اساسی نویسنده کلبه پدیده های عالم، و اصل مشترک در همه این پدیده ها است.

ساحل افتاده گفت گرچه بی زیست
هیچ نه معلوم گشت آه که من کیست
موج ز خود رستای نیز خرامید و گشت
هستم اگر میروم گروم نیست
جهت تکامل (تکامل از نظر اندازه) دانه های تسبیح از کوچک به بزرگ، نشان دهنده جهت تکامل پدیده های هستی از دانی به عالی است. دانه های تسبیح که یک سیر اسکالی در جهت بزرگتر شدن دارند نشان دهنده پدیده های هستی می باشد که یک حرکت اسکالی در جهت پیچیده تر شدن دینامیسم حرکت

به سراسر اسکالی جملتهای نفسانی میباشد. در رابطه با دینامیسم فرد - اجتماع، از دیدگاه اسلام، که فوقا مطرح شد، غایت به منظور جهت اسکالی بخشیدن به حرکت فردی با اجتماعی، هم بصورت فردی و هم بصورت اجتماعی، مطرح میشود. بدین معنی که "الله" هم غایت حرکت فردی است و هم غایت حرکت اجتماعی، اما چون سیر فرد و اجتماع را بطور انکشی وجود دارد، حرکتی فردی و اجتماعی دارای وحدت غایت خواهند شد. بدین معنی که غایت (الله) نمونه کامل حرکتی است از برای جهت اسکالی بخشیدن به حرکتی فردی و اجتماعی. نتیجه کلی اینکه با توجه به مطالبی که در مورد مشخصات حرکتی از دیدگاه مکتب اسلام عنوان شد، زیربنای کنونی حرکت اسلام بر اساس اجتماع استوار است

ادامه دارد

خود که مبتنی بر فرکانسهای مختلف است، دارند. مکان مخصوص هر دانه تسبیح، بیانگر منزل مخصوص هر پدیده در پروسه کلی آفرینش میباشد، مراحل گذر هر یک دانه کوچکتر به دانه بزرگتر، بیانگر مراحل حرکتی تبدیل یک پدیده ناقصتر به یک پدیده کاملترند هستی میباشد.

هیچ کشنده گرگانند
هیچ پیوسته بختناگرند
هر دانه تسبیح علاوه بر اینکه یک مکان مخصوص برای خود دارد و این مکان به او یک استقلال میدهد، یک رابطی هم بوسیله نخ تسبیح، با سایر دانه ها دارد که سرنوشت او را در عین اینکه استقلال دارد، با سایر دانه ها پیوند میدهد، هر پدیده ای که در هستی علاوه بر اینکه در منزل حرکتی خویش استقلال دارد، یک وابستگی هم بوسیله اصل حرکت با سایر پدیده های عالم دارد که این رابطه در عین استقلال، سرنوشت او را با سرنوشت دیگر پدیده ها پیوند زده است.

اگر یک ذره را برگزیری از جای
فرو ریزد همه عالم سرا پای
دو نخ که از درون بزرگترین دانه تسبیح (شیخ) عبور کرده در رابطه با یک نخ که از سایر دانه ها عبور کرده، نشان دهنده دو نوع حرکت انسان (حرکت جبری و حرکت اختیاری)، نسبت به سایر پدیده ها میباشد (آیات ۳ تا ۳۰ سوره دهر)، انتهای ترین قسمت تسبیح (نخ بالای شیخ)، نشان دهنده پایان ناپذیر بودن سیر تکاملی پدیده های هستی، از دانی به عالی میباشد.

حال به بررسی آیاتی از قرآن در مورد حرکت کلی پدیده ها و حرکت انسان میپردازیم:
۱ - سوره ملک آیات ۳ و ۴: "الذی خلق سبع سموات طباقا ما فی فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور - راجع البصر کترین یتکلم الذی البصر خاشعا وهو صیربان خدایی (است که هفت آسمان را به طبقاتی منظم بنا فرمود، آیا در خلقت خدای رحمن، بی نظمی (و کم و زیاد) می بینی (اگر دیدی) پس نگاه کن (با شناختی عمیق تر) آیا سبب (با شناختی عمیق تر از قبل) بنگر تا شناخت (تو) بسبب خود باز گردد، در حالی که (باز هم) سر افکند و خوار شده است (باطظار اینکه باز هم نتوانسته است حقیقت را کلا بشناسد).

آیه فوق در رابطه با دینامیسم کلی هستی و تنوع پدیده ها، با توجه به زیر بنای ثابت کنونی آنهاست.

بقرینه صفحه ۴

۲ - هدف حرکت: هدف حرکت از دیدگاه اسلام (مطابق آنچه در تحلیل آیه ۱۴۳ بقره در آیه سامه مطرح شد) "رسول الله" میباشد که بنا بر بیان قرآن "سوه" است برای بقیه انسانها (احزاب ۲۲: "لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه ... بنحیق در رسول الله از برای شما نمونه نیکی می باشد). اسوه بودن رسول الله در سه چیز است: ۱ - رفتار ۲ - عفت ۳ - سخنان، که مجموعه است رسول الله را تشکیل میدهند (انی غارک فنیکم التقلید کتاب الله و سنتی). بنا بر این با توجه به موضوع حرکت (ناس) و مسیر حرکت (تسلیم - خیر امه با امت خیر - امت وسط) این حقیقت روشن میشود که هدف حرکت عبارتست از "بدست آوردن اعتدال اجتماعی با رسیدن به جامعه نوعی بوسیله حل تضادهای اجتماعی (این تضادها ملولرند ناهماهنگ جملتهای ذاتی انسانهای سازنده اجتماع میباشد) که این هدف توسط رشد هماهنگ جملتهای ذاتی افراد تشکیل دهنده اجتماع حاصل میشود".

از نظر مکتب اسلام، اجتماع از یک دیدگاه دارای اصالت و از دیدگاه دیگر فاقد اصالت با دارای اعتبار می باشد. زمانی اجتماع فاقد اصالت با دارای اعتبار است که به ارگانهای زیر بنای سازنده آن (نفس - انسان) توجه داشته باشیم (مطابق آنچه که در درس اول مطرح شد) (توجه به طرح قسمت اول درس). ارگانهای زیر بنای اجتماع عبارتند از: ۱ - نفس، که عبارتست از تبلور جملتهای ذاتی انسان که بصورت قوه در نهاد او قرار داده شده است. رشد متبادل جملتهای بالقوه ذاتی انسان در بر خورد با زمینه رشدی که جهت به فعل در آوردن آنها در اختیار انسان قرار داده شده، حالت فطری نفس را متجلی میسازد. و رشد نامتبادل این جملتهای در برخورد با زمینه رشدی، عبارتست از حالت غیر فطری نفس که ادامه حرکت نفس فطری است.

خطر رشد ارتجاع و راه مقابله با آن

درد و درمان شماره ۳

در این برهه خاص از زمان که انقلاب ماهه مرحله ششم (۱) یا مرحله انطاف ارتجاعی حق با خداوند است باطل رسیده است و گروه‌های آشکارا به شدت موکرمه ای مخفی باقی مانده اند - خطری جدی آن را تهدید میکند و آن "رشد ارتجاع" است - شورشی منطقه ای، مذهبی و قومی، که با توجه به عدم آگاهی ایدئولوژیک توده ها زمینه مناسبی است برای نفوذ و رشد ارتجاع - نمونه های بارزی هستند که میتوان رد پای ارتجاع را در آنها موضوع مشاهده کرد. از سوی دیگر ابقای سرمایه داری وابسته کمهترین زمینه ساز رشد ارتجاع است (چرا که خود مولود امپریالیسم است و در دوران حاکمیت ارتجاع مهمترین تکیه که وی بوده است) خود عاملی است که تشدید کننده و خاتم اوضاع داخلی ایران بنفع امپریالیسم است.

در این رابطه، فلج شدن کارها به علت اعتصابات متوالی کارگران که خواهان شرایط بهتر اقتصادی هستند، و خود داری دولت در امر ملی کردن واقعی کارخانه ها و بهانه گیریهایی که سرمایه داران صاحب کارخانه میانشانستند در دادن ورشکستگی مالی عنوان می کنند - مرتباً بروخامت اوضاع اجتماعی - اقتصادی سیاسی داخلی ایران می افزاید.

عدم وجود یک "حزب پیشگام" و یک انقلاب مردمی مستمر، نارس ماندن انقلاب را بدنبال داشته است که این خود موجب مسائل و مشکلات فراوانی در راه حرکت رشد یافته انقلاب شده است. از جمله، رشد ارتجاع مذهبی و قدرت گرفتن آن که در این سالها ضرورت کار گذاشتن شدن فرزندان صديق انقلاب را (که کار نگوییم تنها مطمئن متواضع بگوئیم مهمترین کسانی بوده اند که در دوران سیاه اختناق که حتی حوزه های علمیه را سکوی مرگ گرفته بود با مبارزات بی گیر خویش تسلسل مبارزات مردم را حفظ کردند) از صحنه عملگرها و تصمیم گیری ها پیش آورده است.

در این رابطه عدم آمادگی قبلی رهبر انقلاب که لزوماً وابستگی وی را به ارتجاع مذهبی جهت بر کردن "خلا" پیشگام بدنبال داشته، در امر قدرت گرفتن ارتجاع مذهبی نقش عمده ای ایفا کرده است (۲) از نتایج عمده دیگری که نارس ماندن انقلاب مردم بدنبال داشته عدم رشد خود آگاهی مکتبی سیاسی دولتمردان انقلابی آن (که با مصلاح پیشگام مردم را ساخته اند) می باشد، که وابستگی هر چه بیشتر آنها را به ارتجاع موجب شده است. از طرف دیگر تلقی "واقعیت دولت وابسته به ارتجاع" بعنوان "حقیقت اسلام" توسط مکتبها، مهمترین مستسکی است در دست ایشان که در میدان وسیع و آمادگی فقر ایدئولوژیک مردم و روشنفکران مذهبی، برای آنها فراهم ساخته است به ترکنازی برپردازند و کار شکی هائی را در امر پیشبرد انقلاب مکتبی اجتماعی آینده ایجاد کنند.

وحدت نوعی رهبر انقلاب و عدم وجود یک سیر انقلابی جهت بر کردن این خلا، با توجه به اینکه ارتجاع مذهبی میدان گسترده ای جهت عملکرد خوبی بدست آورده است - زمینه بسیار مساعدی را برای ارتجاع مذهبی فراهم آورده تا در آینده، خلا رهبری پر کند. و از این نظر میتوان گفت که "مکتب ما"، "انقلاب ما" و "آینده ملت ما" در معرض خطر جدی و حتی نابودی قرار گرفته است، خطری که از لحاظ دامنه خود حتی از زمان پهاجر و علی هم گسترده تر است!

مجموعه آنچه گفته شد، خطرانی است که انقلاب ما و تمام رده آورهائی آن را مورد تهدید مسلم قرار داده و روزه های امید امپریالیسم را به دریچه های امید لگزانگه دماست. این نکته را بارها تذکر داده ایم (۳) موقعیت بسیار حساس و پر مخاطره ای را، ماه عنوان ملت سلمان شیعه انقلابی پشت سر میگذاریم

بطوریکه آینده حرکت اسلام و این ملت مسلمان در زمان ما رقم می خورد. بنابراین مسئولیت ما بسیار سنگین تر از آن است که بی توجهی ما مجال برای بروز پیدا کند. چاره درد را همانطور که بارها گفته ایم (۴) در یک حمله میتوان خلاصه کرد و آن "علی وار" مقابله کردن با تضادهای گوناگون اجتماعی بجای رفورم کاربهای ضد انقلابی که حاصلی جز بزن بزن کردن تضادها ندارد، می باشد "الته بد رباح حل" این تضادها از طرف افراد آگاه مذهبی هم راه حلها و هندارهای داده شده که متناقضه صورت بزرگ داشته است (۵) از مجموعه پیشنهادات ترفیحاتی که برای حل تضادهای گوناگون اجتماعی ارائه شده است این نکته مشترک را میتوان دریافت که تنها راه از بین بردن تضادها و بحرانهای روبر شد اجتماعی، مقابله انقلابی با آنهاست نه رفورم کاربهای ظاهری. و این مقابله انقلابی تنها با بسیج همگانی دولت و روشنفکران میسر است.

این دردی است که خیلی ها آن را احساس کرده اند و برای درمانش دارو ارائه داده اند، اما بیمار حاضر نیست که این داروها را بکار برد تا شفا یابد. نزدیک به ۵ ماه است که از پیروزی انقلاب مردم ما میگذرد و در این مدت تنها چیزی که مجال رشد یافتن پیدا کرده است فقره ها، تضادها و بحرانهای مختلف اجتماعی بوده است، که لزوماً ارتجاع را در درامان خود میبرد. البته هزار چندی دولت، با اصلاح خود دست به یک عمل انقلابی میزند تا عیدیه تهیه کرده و به مردم تقدیم کند، اما وقتی که نه و نوی قضیه در می آید می بینیم که اینهم از همان نوع رفورمهای معمول بوده است منتی با اسی انقلابی که مجموعه تضادهای مردم را در دو نمی کند بفریبکاری و بحرانها و تضادهای پنهانی می افزاید و قوزی میشود بالای قوز انقیاد سرمایه داران سالها تصحیف دولت نیست بلکه فقط امیدبان دارم تا با بیان این مسائل، هتداری داده باشم به دولت تا در نظریات و اعمال خویش تجدید نظر کرده و با قطع وابستگی هایش به ارتجاع، قدرت خویش را متمرکز تر کند تا بتواند برای اجراء و پی گیری شیوه های انقلابی، میدان عملگر داشته باشد.

وابستگی صنایع داخلی به کنشورهای امپریالیستی (صنایع مونتاژ) باعث شده است تا پس از پیروزی انقلاب مردم، با رفتن متخصصین خارجی به کنشورهای خود این صنایع به رکود دچار شود و در نتیجه علاوه بر رکود اقتصادی کارگران بهشمار بیگار شوند. اضافه بر این، همانطور که گفتیم سرمایه داران داخلی نیز با بهانه گیریهای عمدی و داهی خود زمینه رشد هر چه بیشتر ساله بیکاری را فراهم میازند. در این رابطه باید گفت که تنها عاملیکه میتواند بیکاری را از بین ببرد انجام یک سری اعمال انقلابی نظیر از بین بردن صنایع مونتاژ، تقویت صنایع مادر، رشد صنایع که مواد اولیه آن در خود ایران یافت میشود، از بین بردن سرمایه داری وابسته داخلی، استفاده از متخصصین کنشورهای انقلابی بجای کنشورهای امپریالیستی (تا زمانی که به خود کفایی فنی و علمی برسیم و می باشد.

از نظر کنشورزی زمینه های بالقوه فراوانی در مملکت وجود دارد که میتوان از نظر اقدام کنشورزی ایران را به خود کفایی برساند و دولت میتوان با یک سلسله اعمال انقلابی همچون گرفتن زمینهای مالکین بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان زیر زمین تهیه کردن مواد اولیه و تجهیزات نظیر کودو بذر و آب و ... برای ایشان، اعطای وامها و بدون بهره به دهقانان بخشیدن بهره های با یکی سابق ایشان، مکانیزه کردن کنشورزی تا حد ممکن، فراهم کردن تسهیلات حمل و نقل کالا های کنشورزی و در صورت عدم امکان، استفاده از ارزش در این زمینه، و نیز دادن تضمین به کنشورزان که محصولات ایشان را با قیمت عادلانه بخرند و این زمینه های بالقوه را به فعل در آورده امیا بجای

این اقدامات انقلابی، می بینیم که از سخنان دولت معلوم است که حتی کالاهای کنشورزی را نیز از کنشورهای دیگر وارد می کنیم در حالیکه خود، زمنا بالقوه خود کفایی را دارم و از آن استفاده نمی کنیم. گرفتن یک پیام از رهبر انقلاب برای کنشورزان و با ترتیب دادن برنامه جهاد سازندگی نمی تواند کنشورزان را تشویق به کار کند. اگر کنشورزان حاصل عملگردهای این پیامها و این جهادها را بی نتیجه ببینند نسبت به رهبری انقلاب و دولت بی اعتقاد شده و به یاس می رسند. بجای این پیام گرفتن و ... باید دست به اصلاحات انقلابی نظیر آنچه که فوق گفتیم زد. و از طرف دیگر تشکیل شوراهای ده، دهقانان را بتدریج با سیاست آشنا کرد تا ببینند که سرانشان بدست خودشان رقم نخورده و در نتیجه نسبت به رهبر انقلاب و دولت دلگرم شوند و بیشتر تن به کار دهند.

پایرونی ها

- (۱) - در مورد شبهه به تحلیل خطبه ۵ نهج البلاغه در کتاب "دشمنان مردم کیاند، دوستان آنان کدام؟" که بزودی منتشر میشود مراجعه شود.
- (۲) - تعدی مراجع تصمم گیری که یکی از نتایج عمده رهبری انقلاب است، زائیده همین ساله می باشد.
- (۳ و ۴) - درد و درمان شماره ۱ و نیز درد و درمان شماره ۲ (تحلیلی از اوضاع جاری خوزستان)
- (۵) - البته باید توجه داشت که در ابتدا با این پیشنهادات مترقی مخالفت شد، اما پس از انسجام ارتجاع آنجام آن برناه ها مورد توجه واقع شد.

وحی

خلق (بند تسبیح)، دالالت بر رابطه حرکتی میکند که بین تمام پدیده های هستی مشترک است (الذی احسن کل شیئی خلقه ثم هدی). در این مورد به بررسی واژه "خلق" از دیدگاه قرآن (همانطور که در مفسروله حرکت و نیز در چگونگی پیدایش مستضعفین ... گفتیم) بپردازید. سبع در زبان عرب به معنای هفت است که دالالت بر بهنجاری، گندس، بنسراسر این دالالت بر تظاهر بی نهایت بودن تنوع وجود میکند. که همانطور که در مفسروله اول (حرکت) مطرح شد، در رابطه با تعدد حرکتی، باشد...

بیان خلق سبع، اصل توحید را مطرح میکند، که اگر چه زیر پای تمام پدیده های هستی، مشترک است (اصل حرکت = نغ تسبیح) اما تمام پدیده های صورت های متنوعی دارند، بعبارت دیگر تنوع نمودار (سبع) (بیانگوی وحدت نمود خلق) است. سوات طباقا، بیانگوی مراحل مختلف حرکتی (مراحل گذار از یک دانه تسبیح به دانه دیگر) و رابطه آن با منازل مختلف حرکتی (مکان مخصوص هر دانه تسبیح) میباشد. سوات، دالالت بر مراحل حرکتی میکند و طباقا، دالالت بر منازل حرکتی، وقتی که در قرآن و الارض بدنبال السموات می آید، دالالت بر سیر استقامتی حرکت از دانی (ارض) به عالی (سما) میکند. باقی آیه در رابطه با بیشن انسان نسبت به وحدت نگرایی به تنوع پدیده ها میباشد. پس: خلق = حرکت با بند تسبیح = سبع = تنوع پدیده ها یا تعدد دانه های تسبیح، السموات = مراحل حرکت یا مراحل گذار از دانه تسبیح به دانه دیگر. طباقا، صنازل حرکت با مکان مخصوص هر دانه تسبیح، نتیجه کلی که از آیه گرفته میشود بدین شرح است: زیر بنای کلیه پدیده های هستی مبتنی بر یک صورت معین و منظم و شخصی میباشد و ویژگیهای پدیده ها (منازل) در مقایسه با یکدیگر با بیگونی اختلاف در حرکت زبر بهشتانی آنهاست. در این رابطه دانه تسبیح (که در رابطه با منازل حرکتی آنها میباشد) این شبهه را بوجود می آورد که چون این تنوع و بیگونی زائیده تعدد حرکتی است که در رابطه با دینامیسم آن پدیده قرار دارند، بنابراین تنوعات

و تشخصات و اختلافات موجود در زیر بنای تنوع پدیده ها (حرکتها)، اصل وحدت در هستی را نقض میکند و شرکت در زیر بنای تنوع هستی را نداعی میکند. اما توجه به آیات فوق (۳ و ۴ سوره ملک) این شبهه را از بین میبرد. زیرا آیه این شرکت زائیده تنوعات و اختلافات و شرکت در تنوع پدیده ها نمیداند بلکه این شرکت را زائیده نگرش سطحی ما به هستی میداند و بدین خاطر است که چند بار متوالی انسان را دعوت به شناخت عمیقتر هستی میکند. و این نگرش عمیقتر به هستی، با توجه به مفاهیمی که در مورد خلق سبع، السموات و طباقا مطرح کردیم، جای هیچ شکی باقی نمگذارد که شرکت در هستی بهیچوجه موجود نیست، بلکه وحدت و توحید در تمام هستی برقرار میباشد و این وحدت در دو چیز است یکی "اصل حرکت و دیگری "جهت حرکت".

۲ - سوره سجده آیات ۱۷ الی ۱۹: "الذی احسن کل شیئی خلقه و قد خلق الانسان من طین - ثم جعل نسله من طاله من ماء - مبین - ثم سویه و نغف فيه من روحه و جعل لكم السمع و الابصار و الافئدة قلیلا ما تشکرون - او خدایا که تمام موجودات را (اگر چه در صورت نبودن) به نیکی خلق کرد (این قسمت از آیه دالالت بر صورت کلی فلسفه خلقت تمام موجودات در رابطه با منازل متنوع استقامتی آنها میکند که این منازل باعث ایجاد تشخصات برای هر موجود میشود اگر چه واژه احسن "توجه کنیم، در می یابیم که همه پدیده ها احسن و زیبا آفریده شده اند نه زشت. این زشتی و اسیب دالالت بر این دارد که اگر چه بسبب کلیه پدیده های هستی تفاوت وجود دارد، اما این تفاوت براساس "حسن" و زیبایی است نه براساس "تبعیضی و زشتی که در این صورت ایجاد شرکت در هستی کند بدین معنی که درست است که دانه های تسبیح هر چه از اول به آخر برویم متوالیا در شتر میشوند و هر چه از آخر به طرف اول میباشیم متوالیا کوچکتر، اما این کوچکی و بزرگی براساس تفاوت است نه تبعیض. یعنی این دانه تسبیح مکانی را که اشغال کرده و این پدیده منزلی را که در حرکت کلی آفرینش اشغال کرده، لازمسه وجود اوست و همین منزل است که باعث تفاوت گذاشتن بین او سایر پدیده ها میشود. بنابراین، اگر تفاوت زیباست، احسن است، لازمه وجود است. و اگر این تفاوت نباشد همه پدیده ها شبیه یکدیگر میشوند و اصولا هستی بی مفهوم میگردد، زشت میگردد. و از طرفی این تفاوت، با تبعیض فرق دارد، تبعیض این است که در شرائط مساوی که دو نفر با حق یکسان داشته باشند، حق یکی را گرفته و بدیگری بدهیم. این تفاوت براساس استعداد پذیرش پدیده است یعنی ظرفیت پذیرش این پدیده کمتر از دیگری است، بنابراین این باید به تفاوت و در دیگری بیشتر. اما پدیده این ظرفیت متفاوت را از کجا بدست آورده از منزل حرکتی مخصوص به خودش که به او شخصیت، اصالت و من بودن، می بخشد.

تذکر
روال تاریخی نشر آرمان مستضعفین، ارگان عقیدتی- سیاسی، سازمان زندگان پیشگام مستضعفین ایران هر ه روز یک شماره و هر ماه سه شماره میباشد، از آنجاکه بخش آن توسط مراکز توزیع حرقه ای ممکن است با مشکلات تاریخی دچار شود و بنابر درخواست آسان این شماره آرمان مستضعفین چند روز بدیرتر منتشر شد تا انتشار آن همزمان با آغاز برج باشد و لذا از این بعد همه ماهه روزه های یکم - دهم و بیستم برج، تاریخ نشر آرمان مستضعفین خواهد بود و مواقعی که برج ۳۱ روز میباشد شماره سوم هر ماه به قاصه ۱۱ روز از شماره ماقبل خود پیش خواهد شد.

بعلت فشار اقتصادی زیاد خواهشمندیم هر چه زود تر موجود آرمان، بام و نشریات وابسته به نشریات مستضعفین را به حساب شماره ۷۱۵۸ بانک صادرات شعبه ۴۸ سدان امام حسین واریز نمایند.